


نوع مقاله: پژوهشی


بازخوانی ریشه‌های تاریخی قدمگاه

پیمان ابوالبشری / استادیار گروه تاریخ تشیع دانشگاه نیشابور

p.abolbashari@neyshabur.ac.ir
e.movaghghar@gmail.com

 orcid.org/0000-0001-8841-6470

الهام موقر مقدم / کارشناس ارشد تاریخ تشیع دانشگاه نیشابور

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

چکیده

در گستره مطالعات بینادینی، مفهوم قدمگاه با فلسفه‌ها و کارکردهای گوناگونش، بخش مهمی از آثار مربوط به مناسک مشترک ادیان را به خود اختصاص داده است. غالباً معناکاو و باستان‌شناسی مفهوم قدمگاه، از سوی مستشرقان و به‌ویژه محققان حوزه بودیسم انجام شده که نتیجه آن، سوگیری‌های کژاندیشانه در حوزه قدمت و تأثیر بودیسم در تحمیل مفهوم قدمگاه بر ادیان دیگر است. نوشتار پیش‌رو بر آن است با تکیه بر روش تحلیل تاریخی روشن سازد که با وجود نظریات تعدادی از شرق‌شناسان، قدمگاه‌ها در تاریخ ادیان ابراهیمی ریشه‌ای بودایی ندارند و در واقع نمایشی از باورهای مشترک جهانی انسان‌ها با ریشه و مبانی توحیدی‌اند که در سطحی از ناخودآگاه جمعی به آداب و رسوم تبدیل شده‌اند و در این مسیر، منابع قرآنی و روایی دلیلی بر این مدعاست. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قدمگاه در هر دین، معنای الهیاتی خاص خود را پیموده و با توجه به قدمت مقام ابراهیم در مکه مکرمه، می‌توان ادعان کرد که ادیان توحیدی بر مبنای آیات قرآنی در ابداع مفهوم و فلسفه قدمگاه، پیشگام بوده و آیین بودا به‌صرف تکرر قدمگاه‌ها، مؤسس این‌گونه از زیارتگاه‌های دینی در تاریخ ادیان محسوب نمی‌شود.

کلیدواژه‌ها: اسلام، بودیسم، بوداپده، قدمگاه، کهن‌الگو، مقام ابراهیم.

یکی از موضوعات مهم و مشترک در حوزه تاریخ ادیان قدمگاه‌ها هستند که مرزهایش تمامی قاره‌های آمریکا و اروپا تا آسیا را دربر گرفته است. از نمونه‌های جهانی قدمگاه می‌توان به جای پاهای منتسب به حضرت آدم علیه السلام در مکه و نیز مقام ابراهیم علیه السلام در همان مکان مقدس اشاره کرد. در میان یهودیان هم احترام به قدمگاه وجود دارد؛ چنان که قدمگاه‌هایی به اسحاق متوشالم، یعقوب، ایوب، ادريس، موسی، عیسی و خضر علیهم السلام در ایران و سوریه و فلسطین منسوب است. مسلمانان نیز قدمگاه‌های مهمی در سرزمین‌های خود دارند. چنین اماکنی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معصومان شیعه علیهم السلام انتساب داده شده است که معمولاً با عنوان‌هایی چون اثرالنبی، اثرالرسول یا قدم شریف شناخته می‌شوند. معروف‌ترین آنها در زیر قبة الصخره در سرزمین بیت‌المقدس است که به‌باور عمومی، آن حضرت در لیلۃ الاسراء پا بر آن نهاد و بر براق سوار شد و به معراج رفت. در ایران نیز تعداد قدمگاه‌ها بنا بر پژوهش‌های میدانی، ۲۱۵ مورد است که بیشترین تعداد به‌ترتیب در استان‌های هرمزگان، کرمان، خوزستان و خراسان قرار دارد. ناگفته پیداست که بسیاری از آنها پیشینه تاریخی متقنی ندارند و آمیخته با خرافات‌اند. برخی از جاپاها بقایای بازآفرینی‌شده زیارتگاه‌های پیش از اسلام‌اند و در اصل آتشفشان‌های زرتشتی بوده‌اند؛ اما بعضی از آنها، مانند قدمگاه امام رضا علیه السلام در خراسان، حضور معصوم را تأیید می‌کنند.

تراکم این قدمگاه‌ها در جنوب شرقی آسیا بیشتر است و چرایی آن را می‌توان در آیین بودا جست‌وجو کرد. طبق تحقیقات صورت‌گرفته، تعداد ردپاهای بودا در سریلانکا سه هزار نمونه است که حدود چهارصد قدمگاه آن متعلق به دوران پیش از میلاد است. این آمار در تایلند ۴۹۱ قدمگاه بودایی گزارش شده است (چتادکومول، ۲۰۰۸، ص ۱۳). قدیمی‌ترین انواع آن را می‌توان در شهر بهاروت و کلیسای ساشی هند یافت که متعلق به حدود سه قرن پیش از میلاد است. فرهنگ بودایی تقدس خاصی به جاپاها می‌دهد و برخی از پژوهشگران بر این باورند که آیین منشأ این پدیده است؛ اما چنین نیست که دیگر آیین‌ها به تقدس و احترام جای‌پایی توجه باشند.

به‌نظر می‌رسد که تصاویر و الگوهای در ناخودآگاه جمعی انسان‌ها وجود دارد که بدون در نظر گرفتن فواصل جغرافیایی و در قالب تاریخ‌اندیشگی، در فرهنگ‌های گوناگون مشابهت دارد که در حافظه تاریخی آنها ثبت شده است و همه مردم در آن سهیم‌اند. شاید بهترین نقطه تلاقی این بینش‌های کهن‌الگویی در این حوزه، «قله آدم» در کوه «سامانک تاما» است که در یکی از جزایر جنوب سریلانکا واقع است: بودائیان این کوه را به‌عنوان «سری‌پادا» (جای پای بودا) ستایش می‌کنند؛ هندوان معتقدند که این محل جای پای خدای شیواست و برای آن احترام قائل‌اند؛ مسیحیان آن را جای پای توماس رسول می‌دانند و مسلمانان معتقدند که خداوند وقتی آدم علیه السلام را به‌علت عدم اطاعت از بهشت راند، در این مکان بر روی یک پا ایستاد تا توبه‌اش را بپذیرد. بنابراین در یک نتیجه‌گیری اولیه می‌توان گفت که تلاقی اعتقادی به قدمگاه در میان ادیان، مشترک است و نمی‌توان صرفاً ریشه تاریخی آن را به دین خاصی مانند بودیسم منتسب کرد.

مقالات و کتاب‌های ارزشمندی با محوریت قدمگاه نگارش یافته‌اند و از این میان می‌توان به آثار پژوهشگرانی همچون *والدمارسی سیلر* اشاره کرد که به پیگیری قدمگاه‌های بودا علاقه‌مند بود. او در افغانستان، کامبوج، بوتان، هند، چین، ژاپن، کره، لائوس، مالزی، مالدیو، پاکستان، سنگاپور، سریلانکا، تایلند و میانمار به پژوهش درباره قدمگاه برای نخستین بار پرداخت (سوتانان کتوراما، ۱۹۹۳، ص ۴۵؛ تونگینجن، ۲۰۱۹، ص ۲۹۷). *آمفویل خمخام* نیز با بررسی شباهت‌ها و اختلافات در مفاهیم ردپای بودا در نقاشی‌ها و مجسمه‌های دیواری، آثار مهمی نگاشت (هاوکینز، ۲۰۱۶، ص ۲۰۶). *شیبیار*، دیرینه‌شناس مؤسسه باستان‌شناسی در دانشگاه حیفا نیز از پژوهشگران معاصر است که مشغول انجام حفاری در قدمگاه‌های فلسطین اشغالی است (همان، ص ۶۸). *سامان هادی‌کا* پژوهشگر دیگری بود که بر نمادهای موجود در قدمگاه‌ها تمرکز نمود و نظام بصری منسجم آن را تفسیر کرد (سولاتوین، ۲۰۱۷، ص ۹) و پژوهش‌های او از سوی *آنجلا پینرود* پیگیری شد؛ تاجایی که محتویات تصاویر ۱۰۸ نماد در سنگ ردپای بودا و نشان هر آنچه در جهان است، به‌عنوان نماد قدرت بودا رمزگشایی شد (تونگینجن، ۲۰۱۹، ص ۲۹۷). گفتنی است که بررسی‌های انجام‌شده اغلب در حوزه ریشه‌شناسی قدمگاه‌ها به‌صورت تخصصی با نگاهی صرفاً بودایی صورت گرفته‌اند.

از سوی دیگر، پژوهشگران ایرانی همچون *نقدی* (۱۳۹۳)، *سعیدی‌زاده* (۱۳۹۱) و *دانش‌یزدی* (۱۳۹۳) از جمله افرادی هستند که در این حوزه قلم زده‌اند. یکی از پژوهش‌ها به *سیاه‌پوش* تعلق دارد که اصالت قدمگاه را به «انسانیت» می‌رساند و به ریشه‌های آن در واژه‌های «پایمردی» اشاره دارد (سیاهپوش، ۱۳۵۳)؛ اما برای ادعای خود، مستندی ارائه نمی‌کند. در مقاله‌ای دیگر نیز از تجربه زیست دینی در قدمگاه حضرت معصومه علیها السلام و معناکاوای آداب و رسوم آن از طریق مصاحبه با زوار بحث شده است (خان‌محمدی و مؤذنی، ۱۳۹۴). در برخی دیگر از نوشته‌های مربوط به ریشه تاریخی قدمگاه، بعضاً به حضور میتراثیسم و اهمیت آفتاب در ساختار معماری قدمگاه‌ها اشاره شده است (فاریابی و دیگران، ۱۳۹۷). پیش از این اشارات نیز باستان‌شناسان بر تشابه معابد میترابی با قدمگاه‌ها در ایران مهر تأیید گذاشته‌اند (ورجوند، ۱۳۵۵). دقت در محتوا و عناوین این‌گونه مقاله‌ها نشان می‌دهد که پژوهش حاضر با موضوع مورد مطالعه در مقاله‌های یادشده پیوندی ندارد و این نوشتار با در نظر گرفتن پراکندگی قدمگاه‌ها در تمام ادیان، به تحلیل و بررسی ریشه آن از ابعاد کهن‌الگویی و توحیدی پرداخته است.

براساس این هدف، این پژوهش پرسش‌های زیر را مدنظر قرار داده است:

۱. آیا قدمگاه در تاریخ ادیان، بنا بر نظر تعدادی از پژوهشگران، از جمله *مصطفی وزیری*، ریشه بودایی دارد؟
۲. آیا قدمگاه می‌تواند برآمده از فرهنگ ادیان توحیدی و بر گرد کهن‌الگوها تأسیس شده باشد؟ به عبارت دیگر، می‌توان قدمگاه‌های ایران را نمایشی از باورهای مشترک جهانی انسان‌ها با ریشه و مبنای توحیدی تصور کرد؟

۱. تعریف قدمگاه

برای واژه قدمگاه معانی متفاوتی ذکر کرده‌اند که از این میان می‌توان به این موارد اشاره کرد: جای نهادن قدم؛ جای قدم؛ جایی که پای پیامبر یا امام یا ولی به آنجا رسیده باشد؛ جاهایی که اثر پای در سنگ و جز آن پدیدار است و گمان برند که جای پای پیامبر یا امامی است. انوری نیز چهار معنا در این باره ذکر کرده است: «مکانی که دارای جای پای از مقدسان است؛ جای قدم نهادن؛ محل زیست و سکونت‌گاه؛ آستانه و درگاه» (انوری، ۱۳۸۱، ص ۵۵۰۱). در زبان عربی نیز کلمه «مقام» معادلی برای قدمگاه است. *لسان‌العرب* دو معنای «اقامت» و «جای ایستادن» را برای آن آورده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۴۹۸).

بنابراین، همان‌طور که طبق تعریف مطرح شد، قدمگاه می‌تواند دربرگیرنده سنگ یا قالب قدمگاه یا صرفاً محل تجلی یکی از اولیا باشد که در گذر زمان محل تکریم مردم شده است. در دین مسیحیت، کمتر با فرم قدمگاه روبه‌رو هستیم و لزوماً در قدمگاه‌های آنان جای پای بر سنگ‌ها یافت نمی‌شود. یکی از نمونه‌های مشهور متعلق به راهبه‌های مسیحی، جای پای فاتیماست (فاریابی و دیگران، ۱۳۹۷). این مسئله، در وهله اول نشان از عدم تأثیر بودیسم در مسیحیت دارد؛ درحالی‌که سنگ‌های حاوی «جای پا»، در قدمگاه‌های اسلامی و بودایی و هندو به‌وفور یافت می‌شود. طبیعی است که تراکم نوع این قدمگاه‌ها با نگاهی به پشتوانه آیینی آنها صورت می‌گیرد.

۲. فلسفه قدمگاه

به‌نظر می‌رسد که فلسفه قدمگاه از نیاز بشر به پاسداشت حضور افراد برجسته معنوی در یک مکان ایجاد شده باشد و برای همین است که این پدیده را تا اعصار نخستین حضور انسان بر این کره خاکی می‌توان پی گرفت. دو دیدگاه در این زمینه وجود دارد:

فلسفه قدمگاه را با عنایت به آیاتی که در آن به «مقام ابراهیم» تصریح شده است، می‌توان جست‌وجو کرد که از آن جمله، می‌توان برگرفتن آن محل برای نماز «وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّیْنَ» (بقره: ۱۲۵) و نشانه‌ای روشن از آیات بینات الهی «فِیهِ آيَاتٌ بَیِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ» (آل‌عمران: ۹۷) را یاد کرد. شایان ذکر است که آیات مورد بحث در سوره «بقره» پس از ذکر جریانات و ابتلائات حضرت ابراهیم علیه السلام، و در سوره «آل‌عمران» پس از ذکر آیه شریفه «إِنَّ أَوَّلَ نَبِيٍّ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَكَتْهُ مَبَارَكًا وَ هَدَىٰ لِّلْعَالَمِينَ» (آل‌عمران: ۹۶) آمده‌اند که به‌صراحت به نخستین مرکز پرستش خدای متعال در روی زمین و محل اجتماع و مابیه هدایت آنها اشاره دارد (بهرام‌پور، ۱۳۹۶، ص ۶۲) و فصل الخطاب مجادلات بین‌ادیانی در باب تقدم و تأخر آیین‌هاست.

نظر دیگر اینکه احتمالاً بهترین جایگاه برای دستیابی به فلسفه قدمگاه‌های غیرتوحیدی از دیدگاه دین‌پژوهان، تمرکز روی قدمگاه‌های بودایی است. در این حوزه، قدمگاه‌های بودا از دوره باگان (شهری واقع در میانمار) را

می‌توان در سه نوع مختلف طبقه‌بندی و اشاره کرد که در سقف معابد نقاشی شده است: نقاشی‌های دیواری و مجسمه‌ای؛ ویژگی‌های فیزیکی بودا شامل ۳۲ نماد استعاره‌ای با معنای یمین و برکت، و هشتاد ویژگی دیگر مشابه حائز اهمیت، نمایش داده می‌شود قدیمی‌ترین علامت‌های کامل بر کف پا، بودای لمیده است، تنها تصویر روی نیمکتی با قرار دادن پای چپ روی راست برگرفته ۱۰۸ نماد است (سولاتوین، ۲۰۱۷، ص ۱۰). با رسم ۱۰۸ علامت سعادت در ردپای بودا، ردپاهای بودا به‌عنوان مرکز عالم در نظر می‌گیرد و به‌عنوان مکان مقدسی در صخره‌ای حک می‌شود (تونگینجن، ۲۰۱۹، ص ۱۰).

موضوع ایجاد قدمگاه‌های بودا دوگانه است؛ به‌عبارت‌دیگر، فلسفه وجودی قدمگاه‌ها را می‌توان در دو سطح ارتباط بین انسان و جهان و همچنین ارتباط بین انسان‌ها و مکان مقدس جست‌وجو کرد. بدین ترتیب با رسم ۱۰۸ علامت سعادت در ردپای بودا، ردپاها به‌عنوان مرکز عالم در نظر گرفته شده، به‌عنوان مکان مقدس در صخره‌ها حک می‌شوند. از کاربردهای آن می‌توان آگاهی دیگران از ویژگی‌های اخلاقی خود یا توسل به‌منظور دستیابی به امیال و اغراض شخصی نام برد (همان، ص ۱۲). اصول بودایی در ردپای بودا شامل سه‌گانه دانش، چهار جاذبه، چهار حالت والای ذهن، پنج ادراک، پنج ویژگی عدم تناسب، هفت عامل روشنگری، هفت روح استقامت، هفت گنج نجیب، هشت شرط دنیوی، نه حالت فوق‌العاده دنیوی، ده ناگواری، و در نهایت، شانزده بینش است (همان، ص ۱۳).

قدمگاه اشکال مختلفی را در خود به یادگار گذاشته است و معمولاً دارای ۱۰۸ مانگالا به معنای دربرگیرنده خوش‌یمن‌ترین صور؛ یعنی چرخ، تاج، پوسته مخروطی، گلدان، ماهی سایبان، نیلوفر آبی و پرچم در آیین بودایی است. صورت‌های متعارف نمادهای یمین و برکت از آیینی به آیین دیگر بسته به انواع تاریخی و متن مقدس متفاوت است (بجالد، ۲۰۰۹، ص ۵). ردپاها از حد عادی زندگی بزرگ‌تر نقش شده‌اند. فلسفه آن در «ماهاواستا» (mahavasta)، قدیمی‌ترین متن بودایی، این‌گونه مطرح می‌شود که بودا فوق دنیوی بود. بدن حقیقی او هیچ چیز دنیوی در رابطه با آن ندارد... که می‌تواند بزرگ‌تر یا کوچک‌تر و به هر تعداد در هر جای دنیا ظهور کند. در این بدن است که او به زمین می‌آید. ابتدا تصاویر نمادین و مجازی از ردپای بودا نبود و تنها نمادهای منطبق مثل چرخ، تخت خالی و درخت بودا برای به‌کارگیری بودا و آموزه‌هایش به‌کار می‌رفت. یکی از این نمادها که حاوی ردپای بودا بود، به‌عنوان «بوداپاده» شناخته شد (همان، ص ۶). جذابیت خاص عبادت جای پاها، در ماهیت متضادش است که پا به‌عنوان ناپاک‌ترین قسمت، باعث رشد و اعتلای عابد می‌شود. این معنا در معابدی که تصویر پا روی سقف معابد حک می‌شود، بهتر لمس می‌شود؛ چراکه پای بودا (پایین‌ترین قسمت و ناپاک‌ترین قسمت بدن) روی سر سالک (بالا‌ترین عضو و پاک‌ترین قسمت سالک) قرار می‌گیرد و این نوع ارتباط باعث ارتقای روحی و پاک شدن ناخالصی‌های روحی شخص می‌شود (سولاتوین، ۲۰۱۷، ص ۸).

تحقیق دربارهٔ علائم (Lakkhana-sutta) دو وجه دارد: فرایند چگونگی تبدیل به علامت انحصاری؛ و معانی و مفاهیم بصری‌ای که این علائم‌ها به نمایش می‌گذارند. در حقیقت، ۳۲ علامت «نسخه‌ای ذهنی» (psycho-somatic) برای مسیر بودیساتوا ایجاد می‌کند که دربرگیرندهٔ تمام شایستگی‌های انسانی به‌صورت متمرکز در یک محل است. بدین ترتیب مفهوم به‌یقین رسیدن را ایجاد می‌کند و سالک را برای اکتساب آن به گذشته می‌برد و پیشگویی‌های آن اتفاق می‌افتد (زیمرن، ۲۰۰۷، ص ۱۳۶).

در بررسی سیر تکامل علائم انحصاری، فرضیهٔ «تکامل توصیف متنی» چنین می‌گوید که در دورهٔ آنیکونیسیم، هنرمند ردپایی را که با چرخ تزیین شده بود، به‌عنوان نماد بودای حاضر (یا حضور در غیبت او) و تمرکز بر فداکاری‌های وی حفظ می‌کرد. چنین تصویرگری‌هایی بر متن تأثیر گذاشت که در قالب چرخ با هزاران سخنگو در پرتو خورشید نمود می‌یابد (همان، ص ۴۱). ازسویی دیگر، هنگامی که همهٔ ۳۲ علامت یمن و برکت تکمیل و قابل رؤیت شد، عملکرد نجات‌بخشی آن فراتر می‌رود و به‌عنوان ابزار عامی مدنظر قرار می‌گیرد؛ تاجایی که گسترهٔ اثربخشی آن آن‌قدر زیاد می‌شود که اثر بصری آنها جایگزین تعالیم بودا می‌شود و حتی دیدن آنها هم موجب بهبود جسمی می‌گردد (همان، ص ۱۰۱). به‌طور خلاصه دربارهٔ فلسفهٔ وجودی و کارکرد قدمگاه‌ها، به قدمگاه‌های بودایی اشاره شد.



مقام بودا (میانمار)



مقام ابراهیم (عربستان)

پرسش این است که آیا پژوهشگران به اندازه کافی مدارک و شواهد در دست دارند که تأثیر قدمگاه‌های بودایی را بر سرزمین‌های شرقی ایران ثابت کند؟ آیا می‌توان به‌صرف تحقیق و برجسته کردن نگاره‌های قدمگاه‌های بودایی و تأثیر آن در نگاره قدمگاه فالنامه تهماسبی که سرشار از رنگ و نگار است و البته حضور نمادهای شیعی در آن هویداست (جعفری دهکردی و ایزدی دهکردی، ۱۳۹۸)، این تأثیر و تأثر را نشان داد و فرضیه پیشینه بودایی قدمگاه‌های ایران دوره اسلامی را پررنگ کرد؟

۳. قدمگاه‌های باستانی ایران و جوامع شرقی

با توجه به قدمت آیین زرتشتی در ایران، قدمگاه‌هایی می‌توان یافت که به‌سبب اسلامی شدن بسیاری از این بناها، تشخیص و ارزیابی ریشه این اماکن دشوار به‌نظر می‌رسد؛ اما برگزاری مناسک دینی ویژه در کنار این اماکن می‌تواند ریشه زرتشتی‌اش را نشان دهد (بویس، ۱۳۷۷، ص ۱۲) که از این نمونه‌ها می‌توان به قدمگاهی در مشهد اردهال کاشان اشاره کرد که هم‌اکنون نیز زرتشتیان در سیزدهم تیرماه آیینی برگزار می‌کنند، که شامل کوفتن سنگ بر کوه و طلب آب از آن چشمه جاری برای شفابخشی است که رنگی مطابق با باورهای اسلامی گرفته است (مشهدی نوش آبادی، ۱۳۹۰). نمونه دیگر زیارتگاه پیر هریشت است که زرتشتیان هر ساله در هجدهم فروردین‌ماه به زیارت آنجا می‌روند و آتشی روشن کرده، قدمگاه مزبور را زیارت می‌کنند (افشار، ۱۳۵۴، ج ۱، ص ۶۲؛ سروشیان ۱۳۷۰، ص ۲۰۵). قدمگاه‌های دیگری نیز در شمال روستای چاشت‌خور در مرودشت و همچنین قدمگاه «سارابت‌آشر» در نزدیکی اصفهان هست که با پیشینه‌ای از دوره هخامنشی و متعلق به جامعه یهودی، محل برگزاری نیایش‌ها و جشن‌های آیینی در عصر باستان بوده است (جدیری، ۱۳۸۳؛ هرتسفلد، ۱۳۵۴، ص ۲۷۸).

در خصوص قدمگاه‌های هندو بودایی، وضعیت پژوهش‌ها روشن‌تر است. اولین نمونه شناخته‌شده قدمگاه‌ها که در موزه کلکته هند نگهداری می‌شود، قدمتش به سه قرن قبل از میلاد مسیح می‌رسد (بجالد، ۲۰۰۹، ص ۵). جاپاهای معابد بودایی شهر بهاروت و کلیسای ساشی هند نیز از نمونه‌های پیش از میلاد است (سوتانان کتوراما، ۱۹۹۳، ص ۵). فاکسیاندر در سفرنامه‌اش تعداد قدمگاه‌های بودا را چهارصد جای پا ذکر کرد که همگی شان متعلق به پیش از میلاد مسیح است. پژوهش دیگری نیز تعداد آن را تا سه هزار نمونه تخمین می‌زند که برخی از آنها در موزه‌های جنوب شرق آسیا نگهداری می‌شوند (بجالد، ۲۰۰۹، ص ۵). نکته جالب توجه اینجاست که بسیاری از این قدمگاه‌های بودایی که می‌باید جای پای بودا را نشان دهند، سابقه تاریخی دقیقی ندارند؛ به این دلیل که بودا هیچ‌گاه در طول عمرش از هند به تایلند - از باب مثال - سفر نکرد؛ درحالی‌که فقط در این منطقه ۴۹۱ قدمگاه در استان‌های سرابوری و سافان موجود است که برخی از آنها در شهر یوناکاپورا بسیار مشهورند (زیمرن، ۲۰۱۷، ص ۶۵).

تا اینجا دو نکته به دست آمد: نخست اینکه در مسیحیت، در زمینه شکل قدمگاه تشابهی با آیین بودا یافت نمی‌شود؛ دوم آنکه قدمگاه بودایی لزوماً حضور تاریخی بودا را الزام نمی‌کند و صرفاً کارکرد نمادین دارد.

۴. نقد نظریه پیشینه بودایی قدمگاه‌های اسلامی

یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان که قائل به پیشینه بودایی قدمگاه در تاریخ ادیان است، این‌گونه نظریه خود را مطرح می‌کند: «دو جنبه از فرهنگ بودایی در طول فرایند اسلامی شدن دست‌نخورده باقی مانده است و امروز ما را به یاد بودائیان ایران می‌اندازد: یکی زیارتگاه‌های ردپای سنگی حک‌شده و دیگری غارهای سنگی متروکه» (وزیری، ۲۰۱۲، ص ۶۷). وزیری در ابتدای بحث خود، مشخصاً به حضور پرننگ بودیسم در خراسان اشاره می‌کند و اینکه در عصر اسلامی نیز در حوزه ادبیات و فرهنگ زاهدانه تأثیر عمیقی بر تاریخ این سرزمین گذاشته است (همان، ص ۶۸-۶۹).

با این حال او در راستای چارچوب‌بندی نظریه خود، این موضوع را نادیده می‌گیرد که بودیسم در سده پنجم هجری از شرق ایران و افغانستان، به‌ادعان *ابوریحان بیرونی*، عقب‌نشینی کرده و بنای نوبهار بلخ، به‌ادعان نویسنده *حدود العالم* رو به ویرانی بود (سورن ملکیان شروانی، ۱۳۹۷). مهم‌ترین عامل، یعنی حضور اسلام و حاکمان مسلمان، زوال بودیسم را در این مناطق تسریع کرد.

عناصر شکوفایی زاهدانه خراسان بیشتر تحت تأثیر فرهنگ ملامتی و جوانمردی و عیاری بود که به‌شدت حضور سالک را در اجتماع الزام می‌کرد (ابوالبشری و دیگران، ۱۳۹۵). وزیری برای اثبات نظریه‌اش از نمونه‌هایی تاریخی بهره می‌گیرد که به‌نظر می‌رسد نتیجه قطعی دربر ندارد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

۴-۱. قلّه آدم ﷺ

وزیری برای اثبات بودایی بودن قدمگاه، «قلّه آدم» را در سریلانکا انتخاب می‌کند که مسلمانان نیز در این منطقه ادعای اسلامی بودن این قدمگاه را دارند (وزیری، ۲۰۱۲، ص ۶۹). ارجاع به این سابقه اسطوره‌ای، در نوشته‌های سفرنامه‌نویسان، از جمله *ابن بطوطه* نیز به چشم می‌خورد (ابن بطوطه، ۱۳۷۰، ص ۲۵۴). وزیری در این نمونه، عملاً مثالی را برای اثبات نظریه خویش انتخاب می‌کند که اکثر جمعیتش بودایی است و آبشخور اصلی فرهنگی‌اش هندوستان است و به‌سهولت افسانه نزول حضرت آدم ﷺ از بهشت را در این کوه رد می‌کند و با انتخاب شکننده‌ترین مثال، فرضیه خود را مبنی بر اسلامی نبودن «قلّه آدم» اثبات کرده، به تعمیم آن به سرزمین‌های دیگر می‌پردازد. به‌عبارت‌بهرتر، بافت جغرافیایی موردنظر وی، محصور در تاریخی بودایی است.

۴-۲. قدمگاه حضرت ابراهیم ﷺ

نویسنده در گام بعدی بسط نظریه خود، به قدمگاه منسوب به حضرت ابراهیم ﷺ در مکه اشاره می‌کند و آن را متأثر از فرهنگ بودایی می‌داند. دلایل او برای این تعاملات فرهنگی، نقل شباهت بین کعبه و معبد بلخ از سوی *ابن فقیه* و *یاقوت* است (همان، ص ۷۱). به‌عبارت‌دیگر، وزیری از بیان شباهت بین کعبه و معبد بلخ، نتیجه‌گیری خامی انجام می‌دهد: از یک سو تأثیر و تأثرات قضیه اول را ثابت نمی‌کند و از سوی دیگر مورد دوم (تأثیر گزاره بودایی قدمگاه) را از

نمونه اول نتیجه می‌گیرد. دانسته است که حتی مشخصات معماری معبد بلخ با نمونه‌های معماری اسلامی مناسباتی نداشت (سورن ملکیان شروانی، ۱۳۹۷). بدین ترتیب با یک قیاس و استخراج مشابهت، برای آن پیشینه بودایی تراشیده است؛ درحالی که ادعای خود را بی‌اثبات رها می‌کند و وارد دسته‌بندی قدمگاه‌های ایران می‌شود.

خوشبختانه برای نقد قدیمی‌ترین و موثق‌ترین قدمگاه مسلمانان، در قرآن کریم آیاتی هست. خداوند متعال در آیه ۱۲۵ سوره «بقره» و آیه ۹۷ سوره «آل عمران» به‌صراحت به «مقام ابراهیم» اشاره می‌کند و چنان که پیش‌تر نیز ذکر شد، این کلمه معادل معنایی «قدمگاه» است. آیات یادشده به‌صراحت اشاره می‌کنند اولین عبادتگاهی که روی زمین بنا شد، بنای خانه کعبه بوده است که سرشار از آیات مبین الهی است و مقام ابراهیم علیه السلام یکی از آن آیات است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۱۶، ص ۵۳۶). روایات اسلامی با جزئیات بیشتری درباره قدمگاه ابراهیم علیه السلام سخن می‌گویند. ابن عباس می‌گوید: چون ابراهیم علیه السلام روی آن سنگ ایستاد، آن سنگ به مقام ابراهیم علیه السلام مشهور شده است. همچنین از او نقل شده است که چون ابراهیم علیه السلام روی آن سنگ ایستاد، دو پای او در آن فرو رفت (ارزقی، ۱۴۰۳ق؛ نیشابوری، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹۵). در روایتی دیگر آمده است: آنگاه که به ابراهیم علیه السلام فرمان داده شد تا به مردم اعلان حج کند، ابراهیم علیه السلام عرض کرد: پرودگار! صدای من بر همگان نمی‌رسد. خداوند فرمود: تو اعلان کن؛ بر عهده من است که صدای تو را به همگان برسانم. ابراهیم علیه السلام بر فراز مقام قرار گرفت و مقام چنان مرتفع شد که از کوه‌ها بلندتر گردید و چون ابلاغ کرد، سنگ تاب نیاورد و دو پای ابراهیم علیه السلام در آن فرو رفت (ارزقی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۰؛ صدوق، بی‌تا، ص ۴۲۳). روایت دیگری نیز به این مضمون موجود است: ابراهیم علیه السلام از شام برای سرکشی به اسماعیل و هاجر به مکه آمد. همسر اسماعیل سنگی برای ابراهیم علیه السلام آورد که بر آن بایستد و سرش را شست و شوی دهد؛ چون ابراهیم علیه السلام پا بر آن نهاد، پای وی بر سنگ فرو رفت و اثرش باقی ماند (طبرسی، ۱۳۵۷، ص ۲۰۳).

کیفیت چگونگی نقش بستن پای مبارک آن حضرت، به هر نحو صورت گرفته باشد، چندان حائز اهمیت نیست؛ چراکه در هر صورت، «بیتة الهی» است که در طول قرون و اعصار پایدار مانده است. این معنا در آیه ۹۷ سوره «آل عمران» به‌صراحت ذکر شده و از آنجا که قرآن «احسن القصص» است و هرآنچه ضروری است، ذکر می‌کند و از بیان جزئیات چشم می‌پوشد تا مخاطب را به نقطه مطلوب برساند، بایسته است که همین سیر را دنبال کنیم. خوشبختانه سیر صیانت تاریخی مقام ابراهیم علیه السلام به‌خوبی از سوی پژوهشگران صورت گرفته است؛ چراکه موقعیت مقام ابراهیم علیه السلام در فقه شیعه و سنی دارای مناسک حج است (گودرزی و پیشوایی، ۱۳۷۳).

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، قدیمی‌ترین قدمگاه‌ها و معابد بودایی به سده سوم پیش از میلاد بازمی‌گردد و شایسته است که درباره زمان ایجاد مقام ابراهیم علیه السلام تحقیق شده، با تاریخ فوق مقایسه شود تا مبنای مناسبی برای ریشه توحیدی قدمگاه استخراج شود. بیشتر پژوهشگران، سده بیست پیش از میلاد را تاریخ ولادت ابراهیم علیه السلام دانسته‌اند و برخی از آنها رقم دقیق‌تر ۱۹۹۶ قبل از میلاد را ذکر کرده‌اند (سجادی، ۱۳۸۳). در منابع اسلامی چندین شهر به‌عنوان زادگاه ابراهیم علیه السلام ذکر شده است. به‌گفته تاریخ طبری برخی بابل یا کوثا از نواحی سواد عراق را که در

آن زمان نمود در آنجا حکومت می‌کرد، زادگاه آن حضرت دانسته‌اند و برخی دیگر محل ولادت ایشان را الورکاء (اوروک) یا حران بیان کرده و گفته‌اند که بعداً پدرش او را به بابل یا کوثا منتقل کرد (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۲۳۳). در روایتی از امام صادق علیه السلام «کوثا» زادگاه ابراهیم و محل استقرار نمود ذکر شده است (قطب راوندی، ۱۳۶۸، ص ۲۹۸). ابراهیم علیه السلام ۱۷۹ یا دویست سال عمر کرد و در حبرون، واقع در فلسطین، که امروزه الخلیل نامیده می‌شود، از دنیا رفت.

بنابراین، اگر طبق اسناد فوق، تاریخ ظهور حضرت ابراهیم علیه السلام را سده بیستم پیش از میلاد بگیریم و مدت عمر شریف آن حضرت را دویست سال در نظر گرفته، تاریخ بنای کعبه را هم در آخر عمر آن حضرت مدنظر قرار دهیم، نهایتاً به سده هجدهم پیش از میلاد می‌رسیم. بنابراین ریشه توحیدی قدیمی‌ترین قدمگاه در مقام ابراهیم علیه السلام جلوه می‌یابد. در نتیجه، مقام ابراهیم علیه السلام که اصیل‌ترین قدمگاه توحیدی است، پانزده سده قبل از قدمگاه‌های بودایی است و به همین دلیل است که امروزه نماز طواف باید پشت مقام ابراهیم خوانده شود که حاکی از اهمیت و جایگاه قدمگاه در نزد مسلمانان است.

بنابراین فلسفه وجودی قدمگاه در ادیان توحیدی اساساً ریشه‌های وحیانی و روایی دارد که فرهنگ یگانه‌پرستی و شعائر الهی را تضمین و نقشی مهم در گسترش باورهای دینی ایفا می‌کند.

۳-۴. فقدان نمونه تاریخی

با وجود تأکید وزیری مبنی بر نبود گزارش‌های تاریخی در خصوص چگونگی گسترش قدمگاه‌ها در ایران عهد ساسانی و بعد از آن (وزیری، ۲۰۱۷، ص ۷۱)، نویسنده برای اینکه حضور بودیسم را در ایران پیش از اسلام در نواحی غیر از خراسان اثبات کند، دست به دامان روایات مسعودی می‌شود که از حضور افسانه‌ای بودا در سرزمین‌های کرمان و فارس حکایت دارد (همان، ص ۷۲). اطمینان نویسنده، به‌رغم اعتراف او به افسانه بودن روایات مسعودی، در راستای تأثیرات بودایی در ایجاد قدمگاه‌های ایران، عجیب می‌نماید. هرچند نویسنده برای بررسی مدعای خود زحمت فراوانی به خود داده و از منابع تاریخی استفاده کرده است، اما با این مدعا نمی‌توان ریشه بودایی قدمگاه‌های ایران را ثابت کرد. باید تصریح کرد که نویسنده برای اثبات مدعای خود مکان نامناسبی را انتخاب کرده و دچار تعمیم‌های بیجای تاریخی و باورهای متداول مستشرقان شده است؛ درحالی‌که شایسته بود برای انتخاب و نقد قدمگاه‌های منتسب به مسلمانان، ابتدا از منابع اصلی آن بهره‌گیرند و آنها را نقد کنند. وزیری نمی‌تواند هیچ‌یک از ادعاهای خود را مبنی بر اثرپذیری قدمگاه‌های ایران از مناطق بودایی‌نشین ثابت کند. شناوری مفهوم قدمگاه را که در فرهنگ بشری وجود دارد، نمی‌توان به‌صرف ارتباط فرهنگی، آن‌هم در دو هزاره قبل، به‌آسانی ثابت کرد؛ مگر آنکه باستان‌شناسی به کمک بیاید. بنابراین، وزیری در این بخش از کتاب خود با در کنار هم قرار دادن نمونه‌های شکننده به نتیجه قطعی - به‌ادعان خود - برای اثبات بودایی بودن قدمگاه‌ها در ایران و شبه‌جزیره عربستان دست نیافته است.

دنیای ذهنی «ملل و نحل» مفاهیم مشترکی دارند. کهن‌ترین باورها و مناسک بشری به‌شکل‌های مختلف و در زمان‌های گوناگون تکرار می‌شود. این معناهای ذهنی مشترک، کهن‌الگو نام دارند که ریشه‌اش در ناخودآگاه جمعی است و بقایای تجارب نیاکان را حفظ می‌کنند. یونگ برای اولین بار نشان داد که آرکی‌تایپ‌ها نه‌فقط در روان‌شناسی، بلکه در تاریخ فرهنگی نیز حضور دارند (فرانکفورت و بینگ، ۱۹۵۸، ص ۱۶۷) و «یگانگی روح بشر سبب ایده‌های اولیه معینی می‌شود که بین همه ملل مشترک است» (کمپبل، ۱۳۸۸، ص ۲۸). در نتیجه، ممکن است خصلت عاطفی دین در قالب مناسک، به‌طور زمینه‌ای در ذهن جمعی ملل وجود داشته باشد. یکی از این مؤلفه‌های عاطفی که در ادیان شکل و فرمی کهن‌الگویی می‌یابد، شوق پیروان به تأکید بر حیات معنوی جاودان معصومان و اولیا است؛ داستان جاودانگی. این تمایل و نیاز، در قالب نشانه‌های دینی متبلور می‌شود که نمونه بارز آن می‌تواند قدمگاه باشد که کهن‌ترین تصاویری است که از بشریت به‌جای مانده است؛ ردپاهایی نقش‌شده بر روی صخره‌ها و دیوارها که این بافت طراحی دینی هنوز در میان برخی از قبایل آفریقایی استفاده می‌شود (فراتیگر، ۱۹۸۹، ص ۲۵۹). این نمونه ازلی، در بودیسم معنای پیچیده‌ای دارد؛ اما در اسلام صرفاً به‌سبب حضور معصوم اهمیت می‌یابد و به‌گونه‌ای تبرک به آثار اولیای الهی محسوب می‌شود؛ اما نقطه مشترکشان این است که قدمگاه به‌طور کل، ماهیتی جهان‌شمول دارد و می‌توان از آن به‌عنوان میراث مشترک بشریت یاد کرد.

نتیجه‌گیری

«قدمگاه» سازه و سنتی مشترک بین ادیان توحیدی و باورهای کافرکیشانه شمرده می‌شود. با این حال درباره منشأ پیدایش آن، بین پژوهشگران اتفاق نظر وجود ندارد. اگرچه تعدادی از شرق‌شناسان بر آن‌اند که برای ریشه قدمگاه ادله‌ای تاریخی بتراشند و آن را در چارچوب اندیشه بودایی محصور کنند، اما تردیدهای جدی در پذیرش این فرضیه وجود دارد. نخستین ایراد به این دیدگاه، گوناگونی مناسک در ادیانی همچون زرتشتی، بودایی و اسلام در محل قدمگاه‌هاست که هر کدام، از آیین‌هایی خاص پیروی می‌کنند و نشانی از تأثیر و تأثر فرهنگی در بین آنها نمی‌توان مشاهده کرد. نکته دیگر به فلسفه وجودی قدمگاه‌ها مربوط است که هر کدام بینش الهیاتی ویژه خود را دارند. برخی از آنها مانند بودیسم، جهان‌بینی پیچیده‌ای ارائه می‌کنند و تعدادی دیگر صرفاً محل قدمگاه را نمادین می‌دانند که پای فردی مقدس آن را لمس کرده است. موضوع دیگری که در این نوشته روشن شد، این است که مؤلفه‌هایی همچون استفاده از نمونه‌های شکنده، مانند «قله آدم» در سریلانکا، و استفاده نامناسب از منابع تاریخ اسلام از سوی تعدادی از پژوهشگران، راه را برای پذیرش سنتی تأسیس قدمگاه در آیین بودا هموار کرده است. افزون بر اینها، با رجوع به منابع ادیان توحیدی و استناد به قرآن و مدارک تاریخی مشخص شد که پیشینه تأسیس قدمگاه، به زمان حضرت ابراهیم علیه السلام می‌رسد که نسبت به قدمگاه‌های بودایی کهن‌تر است.

منابع

- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله بن محمد، ۱۳۷۰، *سفرنامه ابن بطوطه*، تهران، علمی و فرهنگی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دار الفکر.
- ابوالبشری، پیمان و دیگران، ۱۳۹۵، «تبارشناسی باورهای ملامتیان نخستین در متون صوفیانه»، *کهن‌نامه ادب پارسی*، سال هفتم، ش ۳، ص ۱۸-۱.
- ارزقی، ابوالولید محمد بن عبدالله بن احمد، ۱۴۰۳ق، *اخبار مکه*، مکه مکرمه، دار الثقافة.
- افشار، ایرج، ۱۳۵۴، *یادگارهای یزد*، تهران، انجمن آثار ملی.
- بویس، مری، ۱۳۷۷، *چکیده تاریخ کیش زرتشت*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، صفی‌لیشاه.
- بهرام‌پور ابوالفضل، ۱۳۹۶، *تفسیر یک جلدی مبین*، چ چهارم، قم، آوای قرآن.
- جعفری دهکردی ناهید و سیده‌مریم یزدی دهکردی، ۱۳۹۸، «نماد و نمون قدمگاه در تاریخ شرق با تأکید بر نگاره قدمگاه فالنامه تهماسبی»، *هنرهای تجسمی (هنرهای زیبا)*، ش ۲۴، ص ۶۹-۸۰.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، *تفسیر تسنیم*، چ دهم، قم، اسراء.
- حیدری، احمد، ۱۳۸۳، «قدمگاه، گور، نیایشگاه صخره‌ای از دوره هخامنشی»، *اثر*، ش ۳۶ و ۳۷، ص ۱۷۵-۱۸۹.
- خان محمدی، کریم و معصومه مؤذن، ۱۳۹۴، «انسان‌شناسی قدمگاه (مطالعه موردی بیت النور)»، *فرهنگ رضوی*، سال سوم، ش ۱۱، ص ۳۸-۷.
- دانش‌یزدی، فاطمه، ۱۳۹۳، «معرفی سنگ مقام‌های خاص امام رضا^ع در یزد»، *فرهنگ رضوی*، ش ۷، ص ۱۹۵-۱۸۱.
- سجادی، صادق، ۱۳۸۳، «ابراهیم خلیل^ع»، در: *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- سروشیان، جمشید، ۱۳۷۰، *فرهنگ بهدینان*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، دانشگاه تهران.
- سعیدی‌زاده، رسول، ۱۳۹۱، «قدمگاه‌های منسوب به امام رضا^ع در ایران»، *وقف میراث جاودان*، ش ۷۹ و ۸۰، ص ۲۱۷-۲۴۶.
- سورن ملکیان شروانی، اسدالله، ۱۳۹۷، «آیین بودا در دوران اسلامی»، ترجمه پیمان ابوالبشری، *تاریخ پژوهی*، ش ۷۵، ص ۱۲۵-۱۳۴.
- سیاه‌پوش، محمدتقی، ۱۳۵۳، «جای پا»، *یغما*، ش ۳۱۵، ص ۵۴۲-۵۴۶.
- صدوق، محمد بن علی، بی‌تا، *علل التوراح*، قم، داوری.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۵۷، *تفسیر مجمع البیان*، ترجمه و نگارش احمد بهشتی، تهران، فراهانی.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷ق، *تاریخ الامم والملوک*، چ سیزدهم، بیروت، روائع التراث العربی.
- فاریابی، یوسف و دیگران، ۱۳۹۷، «بررسی ساختار آیینی و اساطیری قدمگاه جبرفت»، *مطالعات ایرانی*، سال هفدهم، ش ۳۳، ص ۲۱۵-۲۳۳.
- قطب راوندی، سعید بن هبة‌الله، ۱۳۶۸، *قصص الأنبياء*، تحقیق غلامرضا عرفانیان یزدی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- کمپیل، جوزف، ۱۳۸۸، *قهرمان هزارچهره*، ترجمه شادی خسروپناه، مشهد، گل آفتاب.
- گودرزی، حسین و مهدی پیشوایی، ۱۳۷۳، «مقام ابراهیم و سیر تاریخی آن»، *میقات حج*، دوره دوم، ش ۷، ص ۷-۵۸.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد، ۱۳۹۰، «بازشناسی پرستشگاهی زرتشتی در روستای کله کاشان»، *ادیان و عرفان*، سال چهل و چهارم، ش ۲، ص ۸۵-۱۰۰.
- نقدی، رضا، ۱۳۹۳، *قدمگاه‌های امام رضا^ع در نیشابور*، ده سرخ و مشهد، مشهد، آستان قدس رضوی.
- نوری، حسن، ۱۳۸۱، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، سخن.
- نیشابوری، نظام‌الدین، بی‌تا، *تفسیر غرائب القرآن*، حاشیه تفسیر طبری، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ورجواند، پرویز، ۱۳۵۵، «نیایشگاه قدمگاه، نشانی از یک معبد مهری شاهکاری از معماری صخره‌ای ایران»، *فرهنگ و معماری*، ش ۳ و ۴، ص ۱۷-۴.
- هرتسفلد، ارنست، ۱۳۵۴، *تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی*، ترجمه علی‌اصغر حکمت، تهران، انجمن آثار ملی.

- Bjaaland, Patricia, 2009, *Symbolism, Motifs and Attributes in Asian Art The Footprint of the Buddha*, Welch/PASSAGE.
- Chatadcumol, Saimal, 2008, *Cultural routes as heritage as heritage in Thailand*, Ph.D thesis, silpakorona college.
- Frankfort, H., & Bing, G., 1958, "The archetype in analytical psychology and the history of religion", *Journal of the Warburg and Courtauld Institutes*, V 21, N. 3/4, p. 166-178.
- Frutiger, Adrian, 1989, *Signs and Symbols, Van Nostrand Reinhold*, New York.
- Hawkins, Ralph K. 2016, "Israelite footprints. Has Adam Zertal found the biblical altar on Mt. Ebal and the footprints of the Israelites settling the promised land?", *Biblical archaeology review*.
- Suthanaketuarm, lithai, 1993, *creation of buddus footprint on king*, bangog University Silapakorn University.
- Tonginjan, M. J. 2019. "An Analytical Study of Buddhist Principles from the Buddha's Footprints", *Mahachula Academic Journal*.
- Vaziri, mostafa, 2012, *Buddhism in iran*, palgrave macmilan, New York.
- Zimmermann, M & Analayo, B., Döll, S., 2007, *Buddhapada and the bodhisattva path*, Freiburg im Breisgau, Germany, projekt verlag.
- Winn, Su Latt, 2017, *The Significance of the Buddha Footprint in the Bagan Metropolis* Asst. Curator, Zaykabar Museum, bajaranmetropolicejuly 9-15 2017/SOSA university of London.

